روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ • ۲۵ رجب ۱۴۴۵ • ۶ فوریه ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۶۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۵
اذان صبح فردا ۵:۳۵ • طلوع آفتاب ۷:۰۰

روزنامه شرق

دیالوگ روز

بوی پیراهن یوسف - ابراهیم حاتمی‌کیا - ۱۳۷۴
دایی غفور (علی نصیریان): کوچه را چراغانی کردی.
شیرین (نیکی کریمی) منتظر برادرش (فرهاد): ببینم مردم چی می‌شن؟؟
دایی غفور: مردم؟ به مردم چی کار داری؟
شیرین: وقتی مردم نیستن، آخه کی باورش میشه؟
دایی غفور: ...نه دایی، تا خودت باورت نشه هیچ‌کس باور نمی‌کنه!

◆ کوه نمکی «جاشک» با وسعت ۳ هزار و ۵۷۶ هکتار یکی از منحصربه‌فردترین جاذبه‌های گردشگری ایران در مرز شهرستان دشتی و دیر از توابع استان بوشهر است. درخشش نمک در میان پرتوهای خورشید و انعکاس آن منظره‌ای بی‌نظیر ایجاد می‌کند و هر ساله گردشگران زیادی به دیدن آن می‌روند.
عکس: افسانه جعفری، ایرنا

کیمیای کارآمدی و مسئولیت‌پذیری

قادر باستانی
پژوهشگر

باز دهه فجر و بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب، یادمان می‌آورد که تکرار کنیم مردم چشم‌انتظار کارآمدی و مسئولیت‌پذیری هستند. ۴۵ سال پیش در روزهای خوش پیروزی بر طاغوت و ترنم نغمه آزادی، گلستانی را تصور می‌کردیم که مردم با مسئولانی صادق و ساده‌زیست، جای‌جای ایران پهناور را به بهشت آرزوها و الگوی زیبایی برای مستضعفین جهان تبدیل می‌کنند. روزگار امروزمان با آن رؤیاهای شیرین، تناسب چندانی ندارد، ولی هنوز امید به آن داریم که اوضاع بهبود یابد و شرایط بدتر از این نشود. اگر کارکردها را به دو بخش تقسیم کنیم، بخش اول کارهایی است که برای تحکیم موقعیت و قدرت نظام و مسئولان به انجام رسیده و بخش دوم کارهایی است که برای آسایش و راحتی مردم و معیشت خانواده‌ها و توسعه صنعت و کسب‌وکار و رفاه عامه صورت پذیرفته و واقعیت این است که عموما موفقیت‌های بزرگ و پرافتخار ملی، مانند رشد صنعت دفاعی و تسلیحاتی و توفیقات قابل توجه در حوزه امنیت، مربوط به بخش اول بوده و کاستی‌ها و ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها، بخش دوم را شامل شده و سنگ زیرین، طبقات تهیدست و فقیر بوده‌اند. آنچه از صدر انقلاب به خاطر می‌آورم، چشم‌انداز ما از آینده انقلاب اسلامی، کشوری نمونه مثل سوئیس بود، با این تفاوت که مردم ما مسلمان و ایثارگر هم بودند؛ کشوری مرفه و پیشرفته با مردمانی دیندار و بااخلاق که روابط حسنه با همه کشورها، مخصوصا ممالک اسلامی داشت و همه دنیا حسرت مسئولان را می‌خوردند و الگویی مناسب برای حکومت مردمی در هر کشوری می‌شدیم. همه کمک‌حال هم بودند و فقر ریشه‌کن شده بود. جرم و جنایت هر سال کم و زندان‌ها خالی‌تر می‌شد. آزادی اندیشه و جدال احسن برقرار و رسانه‌ها، مکانی برای عرضه نظرات و افکار مختلف بود. شاید مانع عمده برای رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی، همان که در سال ۵۷ به مردم وعده دادیم، شعارزدگی و کم‌توجهی به مسئله کارآمدی و مسئولیت‌پذیری و فقدان گردن‌گیری و نیز عشق مفرط به نمایش بوده است. در این چهار دهه هرکاری که کردیم، دور آن نقطه دایره کشیدیم و گفتیم، به هدف زدیم و هدف ما همین بود. هیچ مسئولی پذیرای ناکامی‌ها و مشکلات نبود و همه را یک‌جا حواله دشمنان کردیم. مسئولان عاشق نمایش، تمامی صحنه را برای دیده‌شدن خود خواستند و مردم را تماشاچی خود دانستند. لابد مردم هم حق ندارند طلب دیده‌شدن بکنند؛ مگر به عنوان سیاهی لشکر نمایش‌های خود. سال گذشته، حوادث قابل تأملی را پشت سر گذاشتیم و رابطه دولت - ملت به مرحله حساسی رسید. حوادث تلخ پارسال، گستره ماجرا در شهر و روستا، شعارهایی‌که سر داده شد و نیز نحوه مشارکت در آخرین انتخابات، در کنار دشمنی آمریکا و هدف‌گرفتن موجودیت نظام اسلامی، تنگنایی را فراهم کرد که برون‌رفت از آن، مستلزم تصمیمات سخت است. اگر وضع به همین منوال پیش برود و ترامپ دیگربار بر تخت اتاق بیضی‌شکل کاخ سفید تکیه بزند، در دور دوم دیگر ملاحظات و احتیاط‌کاری‌های دوره قبلی را نخواهد داشت. تاب‌آوری اقتصاد ملی با این وضعیت مزمن تورم و گرانی، مشکلات کمرشکن معیشتی و فشار روزافزون بر اقشار تهیدست، دچار تزلزل جدی می‌شود. حرف‌درمانی و وعده‌درمانی هم دیگر فاقد تأثیر است، چراکه به جهت کژکارکردی سازمان صداوسیمای پرهزینه، رسانه‌های آزاد اجتماعی، خارج از اراده دولت، افکار عمومی را به دست گرفته و خلاف جهت خواسته مسئولان امر پیش می‌برند و مهار آن در توان هیچ دولتی نیست. شرایط تحریم، شاید تولید ملی را تقویت کند، اما مسئله این است که در دنیای امروز نمی‌توان مجزا از دنیای پیرامون، تولید را درونی کرد. اقتصاد دنیا مثل نخ تسبیح به هم متصل است. قطعات دستگاه‌های تولیدی، وجود برخی مواد اولیه، برخی فناوری‌های خاص و نظایر آن برای رونق و جهش تولید، حیاتی هستند. اگر کسانی به مدل کشورهایی چون کره شمالی چشم دوخته‌اند، خوب می‌دانند که بدون کمک‌های بین‌المللی، مردم به غایت گرسنه و بدبخت آن کشور چه وضعیتی پیدا می‌کند. برای گذار از مشکلات، اصل اول مسئولیت‌پذیری است؛ هرکس برابر قدرت و اختیاراتش، باید پاسخ‌گویی در قبال عملکرد خود داشته باشد. این مکانیسم الان دچار نقصان است. چرخه پاسخ‌گویی مسئولان، اگر تکمیل باشد و همه خود را در قبال کارنامه و عملکردشان متعهد و پاسخ‌گو بدانند، فضای بهبود هویدا می‌شود. اصل دوم، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، سفارش اکید بر حفظ نظام کرده و حفظ نظام مستلزم آن است که مردم به مثابه پشتیبانان حقیقی انقلاب، به این احساس نرسند که رأی و نظر آنها، در حکمرانی، محلی از اعراب ندارد. باید تجربه‌های شکست‌خورده پیشین اصلاح شود و تصمیمات مهم و سخت برای جلب مشارکت سیاسی مردم گرفته شود تا بار دیگر امید به ساختن یک جامعه اسلامی نمونه و ایدئال در دل همگان زنده شود. مردم فقط آن چند هوادار سینه‌چاک متنعم از انواع رانت‌ها نیستند؛ مردم آنهایی هستند که کمرشان زیر فشارهای اقتصادی خم شده و شرمنده همسر و فرزند، صورتشان را با سیلی سرخ نگه داشته‌اند. اصل سوم، کشور ما گرفتار بحران مرجعیت اجتماعی شده است. مرجعیت رسانه‌ای، مرجعیت سیاسی و... در یک آنومی شدید به سر می‌برد. جامعه مثل مومی شده که در برخورد با شرایط مختلف، به شکل‌های مختلف درمی‌آید؛ این وضعیت، پیش‌بینی‌پذیری جامعه را که در شرایط عادی هم ساده نیست، به شدت دشوار کرده است. حال در سالگرد انقلاب، هر کس دل در گرو سعادت ملت ایران و آبادانی و سربلندی این ملک و میهن دارد، گذشته را از نگاه خود ارزیابی کند. باید ببینیم، کجا درست عمل کردیم. اشتباهات‌مان کجا بود؟ چرا هر بار حرکتی می‌کنیم، به جای پیشرفت، شاهد پسرفتیم؟ همه ما دوست داریم که در جامعه‌ای مدرن، با آرامش و آسایش حقیقی، زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشیم. تاریخ پرافتخاری داریم و تمدن بزرگی را پشت‌سر نهاده‌ایم. بیشتر منابعی را که یک کشور خوشبخت به آن نیاز دارد، به‌وفور داریم. منابع خدادادی، استعدادهای انسانی، موقعیت جهانی منحصربه‌فرد و هرآنچه برای ترقی و پیشرفت مادی و معنوی احتیاج است، در ایران ما وجود دارد. بااین‌حال در شرایطی قرار گرفته‌ایم که اغلب از وضعیت موجود رضایت نداریم و احساس می‌کنیم استحقاق زندگی بهتر از این را داریم. اینک رسانه‌ها نماینده مردم هستند و باید مطالبه‌گر باشند و دهه فجر را به صحنه کارنامه و یادآوری وعده‌های صدر انقلاب بدل کنند. رسانه‌ها باید ترازویی برای سنجش آرمان‌ها برپا کنند.

یادداشت

نوشدارویی نیست

سیدعلی ارم
داروساز

سن و سالی داشت. تکیده و خسته با ته‌ریش سفید پف‌کرده. چشمانش را می‌مالید. گریه کرده بود. روی صندلی روبه‌رویی نشست. هر دو منتظر بودیم. من به عنوان نماینده شرکتی که واردکننده داروی خاص هستم، منتظر مسئولی بودم که در سازمان غذا و دارو وظیفه برنامه‌ریزی برای تأمین به موقع داروهای مورد نیاز بیماران را دارد.

و او منتظر مسئولی که وظیفه‌اش اطمینان از موجودبودن دارو در داروخانه برای بیمارش به وقت نیاز است.

من یک ساعتی هست که منتظرم و هنوز نمی‌دانم که باید یک ساعت دیگر هم بیهوده صبر کنم و بدون دیدن مسئول مربوطه برگردم به محل کارم. بی‌فایده مثل روزهای دیگر. او هم هنوز نمی‌داند که نشستنش بی‌فایده است. دارویش هنوز حتی به گمرک کشور نرسیده و چه بسا حتی تولید نشده باشد. چیزی که او نمی‌داند و من می‌دانم این است: برای خرید دارو، مواد اولیه دارویی، دستگاه و سایر مایحتاج تولید دارو چالش‌های ارزی جدی وجود دارد.این را، هم من می‌دانم هم آن مسئولی که دارد سعی می‌کند با نرم‌ترین لحن و با بهترین بهانه‌هایی که می‌تواند بیاورد مرد را راهی خانه‌اش کند. من روزها و هفته‌ها و ماه‌هاست تقلای او و مدیرانش را در سازمان غذا و دارو می‌بینم. تلاش می‌کنند و به هر در بسته‌ای می‌زنند تا شاید صدایی به یاری بلند شود.

شرکتی که من در آن کار می‌کنم مسئول واردکردن اندک داروی خاصی است که کشور، ناچار به واردات آنهاست. حالا یا اصلا در کشور تولید نمی‌شوند یا تولیدشان آن‌قدر که کافی باشد نیست. تولیدکننده‌هایش شرکت‌های طرازاول داروسازی دنیا هستند. سال‌ها قبل با تلاش زیاد شرکت‌هایی مثل شرکت ما، موافقت کردند با وجود تمام تحریم‌ها و محدودیت‌ها، داروهای خود را به ایران هم بفروشند و همین کار را هم کردند. ارز هنوز دولتی نبود و اگر هم بود هنوز از رانت‌های جورواجور آن‌چنان خبری نبود. قرار بود که ارز دولتی، کارها را بسامان‌تر کند که نکرد. مثل همیشه، دخالت دولت، کار را خراب‌تر کرد.

شرکت‌های طراز اول دنیا به‌خاطر قوانین پول‌شویی بین‌المللی، تنها می‌توانند به روش‌های کاملا شفاف، پول دریافت کنند و دورزدن تحریم‌ها با این شرایط سازگار نیست. ارزی که با نرخ دولتی تأمین می‌شود، در اختیار تراستی‌هایی قرار می‌گیرد که شفاف نیستند و شرکت‌های داروسازی بین‌المللی قادر به دریافت پول از آنها نیستند. تا پول هم نگیرند ریسک تولید و ارسال دارو به ایران را نمی‌پذیرند. این می‌شود که سازمان غذا و دارو می‌ماند و مقدار اندکی ارز قابل استفاده و ده‌ها شرکت تأمین‌کننده دارو، ماده اولیه، واکسن، تجهیزات پزشکی و... که باید این ارز را بین همه آنها به نحوی تقسیم کند که آب در دل بیماران تکان نخورد. چیزی که هرگز ممکن نخواهد بود.

کم‌کم صدای مرد بالا می‌رود. می‌گوید هر ماه همین وعده را به من می‌دهید. چرا به فکر نیستید. بیمار من این حرف‌ها را نمی‌فهمد. او دارد زجر می‌کشد، دارو می‌خواهد و نبود دارو جانش را به خطر می‌اندازد. سرم را پایین می‌اندازم و در صندلی خودم فرومی‌روم. کارشناس، هم سرش را پایین انداخته و فقط گوش می‌دهد. برای هر دوی ما مثل روز روشن است که گویا فعلا نوشدارویی برای درمان بازار دارویی ایران وجود ندارد.

دور دنیا

دور دنیا در یک دقیقه

سحر طلوعی: ما به چهار گوشه جهان سر می‌زنیم و خبرهایی را که کمتر دیده شده است، مرور می‌کنیم.

فرانسه: پاریسی‌ها در همه‌پرسی افزایش قیمت پارکینگ خودروهای شاسی‌بلند شرکت کرده‌اند. آنها به افزایش قیمت رأی مثبت داده‌اند. بریتانیایی‌ها هم این طرح را رصد کرده‌اند. هدف از این اقدام مبارزه با کاهش آلودگی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای است. خودروهای شاسی‌بلند یا SUV گازهای گلخانه‌ای بیشتری تولید می‌کنند. البته تعداد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی خیلی زیاد نبود و نزدیک به شش درصد شهروندان پاریسی که برای همه‌پرسی ثبت‌نام کرده بودند، حضور داشتند.

چین: سرانجام پس از پنج سال بازداشت، دادگاهی در چین حکم یانگ هنگ‌جون، نویسنده استرالیایی-چینی را صادر کرد. او متهم به جاسوسی بود. یانگ هوادار دموکراسی است. دادگاه این نویسنده متولد چین با تابعیت استرالیا را به اعدام تعلیقی محکوم کرده؛ حکمی که وزیر خارجه استرالیا را شوکه کرده است. او گفته استرالیا تمام و کمال از شهروند خود حمایت خواهد کرد. حکم اعدام تعلیقی در واقع تا دو سال به محکوم مهلت می‌دهد و سپس می‌تواند به ۲۵ سال حبس یا ابد تغییر کند. این اتفاق وابسته به خوش‌رفتاری محکوم در این دو سال است.

اتحادیه اروپا: پس از توافق اولیه کشورهای اتحادیه اروپا برای اجرائی‌کردن قانون هوش مصنوعی (AI Act)، این کشورها بر سر جزئیات فنی این قانون نیز به توافق رسیدند. اکنون قبل از لازم‌الاجراشدن این قوانین، به امضای قانون‌گذاران اتحادیه اروپا نیاز است. کمیسیون اروپا سه سال پیش قوانینی با هدف تعیین استاندارد جهانی برای فناوری مورد استفاده در بخش وسیعی از صنایع مانند بانکداری، خرده‌فروشی، خودروسازی و خطوط هوایی مطرح کرد؛ اما پس از عرضه ChatGPT و دیگر مدل‌های قدرتمند هوش مصنوعی، در این قوانین مفادی برای استفاده از هوش مصنوعی در اهداف نظامی، جنایی و امنیتی نیز اضافه شد. انتظار می‌رود این قانون در اواخر سال ۲۰۲۴ در یک دوره اجرائی ۳۶ماهه لازم‌الاجرا شود. الزامات مدل‌های هوش مصنوعی پس از یک سال اعمال می‌شوند. این قانون سیستم‌های هوش مصنوعی را با توجه به خطر احتمالی که برای جامعه ایجاد می‌کنند، به چهار دسته اصلی از پرریسک تا کم‌خطر تقسیم خواهد کرد. قوانین جدید بسته به این دسته‌بندی اعمال خواهند شد.

هنرخوانی

گرمی در تسخیر زنان

ایسنا: مراسم شصت‌وششمین دوره جوایز موسیقی گرمی برگزار شد و هنرمندان زن مهم‌ترین جوایز را به خود اختصاص دادند.

«تیلور سوئیفت» جایزه بهترین آلبوم سال را با آلبوم «نیمه‌شب‌ها» برای چهارمین بار به خود اختصاص داد تا رکورددار بیشترین جایزه «آلبوم سال» در تاریخ جوایز گرمی نام بگیرد. پیش از این در تاریخ جوایز گرمی هیچ هنرمند دیگری چهار بار جایزه بهترین آلبوم سال را کسب نکرده بود و اسطوره‌های دنیای موسیقی «فرانک سیناترا»، «پل سایمون» و «استیوی واندر» هرکدام سه بار برنده این جایزه شده بودند. «مایلی سایرس»، دیگر خواننده زن نیز جایزه بهترین رکورد سال جوایز گرمی را برای آهنگ «Flowers» دریافت کرد و جایزه بهترین آهنگ سال نیز به «What Was I Made For?» از «بیلی آیلیش» رسید. او به خاطر قطعه‌ای که برای فیلم پرفروش باربی ساخته شده است، جایزه بهترین آهنگ سال را برد و البته تیلور سوئیفت را شکست داد. در بخش بهترین هنرمند جدید نیز جایزه گرمی به «ویکتوریا مونه» خواننده زن ۳۴ساله رسید. جایزه بهترین موسیقی متن یک فیلم یا سریال نیز به فیلم «اوپنهایمر» اثر «لودویگ گورانسون» اعطا شد.